

امکان سنجی و طراحی مدل استقرار مراکز تعالی حرفه ای به عنوان یک مدل نیمه

دولتی (تعاملی و مشارکتی)

ضرورت و اهمیت:

قانون نظام جامع آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی به عنوان یک قانون پایه و مادر، اهدافی نظیر ارتقای توان کارآفرینی (بند 2 ماده 1، توانمند سازی نیروی کار و کمک به افزایش اشتغال و خود اشتغالی و کاهش بیکاری (بند 3 ماده 1 و رشد بهره وری در اقتصاد (بند 9 ماده 1) را مطرح کرده است و همچنین دولت را مکلف به تهیه تمهیدات لازم جهت آموزش و تربیت افراد جهت کسب شایستگیهای نوآوری و کارآفرینی (تبصره بند 10 ماده 1) نموده است. در ماده 3 این قانون نیز اجرای آموزش و تربیت فنی، حرفه ای و مهارتی به صورت آموزش دولتی، غیر دولتی، نیمه دولتی (تعاملی) و مشارکت بین المللی در قالب آموزش حضوری (مستقیم)، نیمه حضوری و مجازی دسته بندی کرده است. از مراکز مهارت آموزی در بهبود وضعیت اشتغال مهارت آموختگان انتظارات بیشتری نسبت به وضعیت کنونی می رود. لکن این مراکز در اجرای فرایندهای مختلف اعم از پژوهش، تدوین برنامه درسی، تضمین کیفیت، کارآفرینی و نوآوری، اجرای برنامه های آموزشی فوق تخصصی، فعالیتهای فوق برنامه و حمایتی ... به واسطه عدم استقلال مالی و فقدان اختیارات کامل در اتخاذ تصمیم گیری و برنامه ریزی، دچار محدودیتهای قانونی هستند که نمی توانند تمامی این انتظارات را پاسخگو باشند.

امروزه در پاسخگویی به این انتظارات، رویکردهای نوین جهانی ایجاد مراکز تعالی حرفه ای است که به واسطه توسل به شراکتهای عمومی و خصوصی توانسته است بر مشکلات فوق فائق آید. مراکز تعالی حرفه ای طیف وسیعی از شرکای محلی مانند ارائه دهندگان آموزش و مهارت آموزی حرفه ای، کارفرمایان، مراکز تحقیقاتی، آژانسهای توسعه و خدمات اشتغال را گرد هم میآورند تا اکوسیستمهای مهارت به توسعه منطقی، اقتصادی و اجتماعی، نوآوری و استراتژیهای تخصصی هوشمند کمک کند. با این حال، هدف، ساختار و عملکرد مراکز تعالی حرفه ای از یک زمینه به زمینه دیگر بسیار متفاوت است. مراکز تعالی حرفه ای نقشهای متفاوتی در سیاستگذاری دارند و از نظر سطح تعهد سیاستی و اولویت بندی منابع متفاوت هستند. اغلب مراکز تعالی حرفه ای بدون مشارکت با سایر موسسات آموزشی در سطوح ملی و بین المللی به صورت جداگانه وجود دارند. گاهی اوقات مراکز تعالی حرفه ای اساساً ارائه دهندگان مهارت (مدارس حرفه ای یا مراکز مهارت آموزی) هستند، اما می توان آنها را با مراکز یا شبکه های هماهنگی یا توسعه جایگزین کرد. در واقع ارائه مهارت آموزی صرف، به منظور اشتغالپذیری و کارآفرینی کافی نیست و مهارت آموزی نیازمند فعالیتهای تکمیلی، حمایتی و پشتیبانی به طرق مختلف است تا منجر به بروز نوآوریهای فن آفرینانه گردد. این فعالیتهای تکمیلی شامل راهنمایی و مشاوره مسیر حرفه ای، دوره های آموزشی در محیط کار، تدوین برنامه درسی، سنجش و ارزشیابی با مشارکت کارفرمایان بنگاه های اقتصادی، حمایت از شرکتهای نوپا و... است.

سوالات اصلی:

- امکان تبدیل مراکز آموزش فنی و حرفه ای سازمان به مراکز تعالی حرفه ای از نظر نهادی وجود دارد؟
- قراردادهای شراکت عمومی - دولتی در فعالیتهای حمایتی چگونه است؟

سوالات فرعی:

- امکان تبدیل مراکز آموزش فنی و حرفه ای از منظر قوانین ناظر، حاکم و مرتبط به مراکز تعالی وجود دارد؟
- امکان تبدیل مراکز آموزش فنی و حرفه ای از منظر منابع انسانی، مالی و کالبدی به مراکز تعالی وجود دارد؟
- امکان تبدیل مراکز آموزش فنی و حرفه ای از منظر ساختار و تشکیلات به مراکز تعالی وجود دارد؟
- قرارداد شراکت عمومی - دولتی در فعالیت حمایتی راهنمایی و مشاوره مسیر حرفه ای چگونه است؟

- قرارداد شراکت عمومی-دولتی در فعالیت حمایتی برگزاری دوره های آموزشی فوق تخصصی چگونه است؟
- قرارداد شراکت عمومی-دولتی در فعالیت حمایتی برگزاری دوره های آموزشی در محیط کار چگونه است؟
- قرارداد شراکت عمومی- دولتی در فعالیت حمایتی تدوین برنامه درسی چگونه است؟
- قرارداد شراکت عمومی- دولتی در فعالیت حمایتی سنجش و ارزشیابی چگونه است؟
- قرارداد شراکت عمومی- دولتی در فعالیت حمایتی از شرکتهای نوپا چگونه است؟
- قرارداد شراکت عمومی- دولتی در سایر فعالیتهای حمایتی چگونه است؟

نتایج مورد انتظار:

- تعیین کمبودها و نقصانها و پیشنهادات عملی جهت تبدیل مراکز آموزشی سازمان به مراکز تعالی حرفه ای و ارائه فرمت قراردادهای مشارکت عمومی - دولتی در زمینه های مختلف فعالیتهای آموزشی و حمایتی

پیامدهای مورد انتظار:

- افزایش انعطاف در روشهای یادگیری؛
- افزایش جذابیت و اقبال به آموزشهای فنی و حرفه ای؛
- حداقل سازی عدم تطابق مهارتها؛
- بهبود تضمین کیفیت خدمات آموزشی؛
- افزایش اشتغال پذیری مهارت آموختگان؛
- افزایش بروز خلاقیت و نوآوری مهارت آموختگان •